

صبر حدادعادل لبریز شد#۴۷؛ مرزبندی شورای ائتلاف با جبهه پایداری شفاف شد

اعتماد در گزارشی رفتارهای سیاسی غلامعلی حدادعادل و رابطه‌اش با نیروهای تندرو را بررسی کرده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، در این گزارش آمده است:

بالاخره دوره کنایه‌های پنهان و توییت‌های هوایی نیروهای اصولگرا علیه یکدیگر به سر آمده و آش درگیری نیروهای اصولگرا با هم بر سر لیست انتخاباتی مجلس دوازدهم آنقدر شور شده که حدادعادل همیشه آرام که در غائله‌های درگیری نیروهای سیاسی آبروداری را بر هر موضوعی ترجیح می‌داد، زبان به نقد «تندروی» طیفی از اصولگرایان گشوده و خطاب به کسانی که مشی تندروی پیشه می‌کنند، گفته است که جایی در شورای ائتلاف ندارند.

غلامعلی حداد عادل، رییس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی کشور در جلسه این شورا در استان قزوین که عصر روز سه‌شنبه در حسینیه آیت‌الله شالی قزوین برگزار شد، هدف از تشکیل این مجموعه را برقراری اصل وحدت دانست و با یادآوری ایجاد این شورا توسط رییس در پاییز سال ۱۳۹۶ برای پرورش نیروهای انقلاب گفت که «شورای ائتلاف، نظر مرکز را بر شهرها و اشخاص تحمیل نمی‌کند».

او با تأکید بر رویکرد جوان‌گرایی در این شورا، کار سیاسی را تربیت نیروی انقلابی توانمند برشمرد و تأکید کرد که «جوان‌گرایی به معنای مقام‌گرایی نیست، زیرا تجربه کمتر از علم نیست».

حداد همچنین بر لزوم استفاده از ظرفیت بانوان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأکید و تصریح کرده که «اگر بانوان را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت ندهیم، نمی‌توانیم انقلاب را به دست آیندگان بسپاریم و بر این اساس ضرورت دارد معاونت بانوان شورای ائتلاف در استان‌ها نیز راه‌اندازی شود».

حداد عادل همچون تمام دو دهه گذشته اولین اصل انتخابات مجلس در دو انتخابات پیش رو- مجلس و خبرگان- را «تداوم وحدت» خوانده که باید وحدت حول محور انقلاب به وجود بیاید و شعار شورای ائتلاف را «عقلانیت، معنویت و عدالت» اعلام کرده است.

اما مهم‌ترین بخش سخنان رییس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی هشدار بی‌سابقه است که از چهره‌های همچون حدادعادل و ادبیات همیشه ملایم او دور از ذهن بود. او این‌بار تأکید کرده است که «اگر کسی بخواهد با تندروی کار سیاسی کند با او میانه‌ای نداریم، زیرا دشمن با این قبیل کارها به دنبال ناامیدی جوانان است».

شاید این نخستین‌بار است که حدادعادل در این بازه زمانی انتخاباتی ادبیاتی چنین غیرمحتاطانه اتخاذ کرده، آن هم در مقابل کسانی که سعی دارند با توسل به اهمیت وحدت برای چهره‌هایی همچون حدادعادل در جریان اصولگرایی نوعی باج‌گیری سیاسی را از شورای ائتلاف نیروهای انقلاب انجام دهند. بد نیست به خاطر داشته باشیم که تغییر نام این شورا در ایام نزدیک به انتخابات مجلس یازدهم بر اثر همین بهانه‌جویی‌های جبهه پایداری بود. وقتی مرتضی آقاچه‌رانی در آن ایام خط و نشان کشید که جبهه پایداری در تشکلی که نام اصولگرا به عنوان انقلابی‌ها باشد حضور نمی‌یابد، شورای ائتلاف اصولگرایان که نامش از زمان تاسیس توسط ابراهیم ریسی همین بود، بی‌سروصدا به شورای ائتلاف نیروهای انقلاب تغییر پیدا کرد تا پایداری‌ها دست از بهانه‌های بنی‌اسرائیلی بردارند و حاضر به حضور در جلسات شوند. این البته کمترین سهم‌خواهی پایداری‌ها از شورای ائتلاف در آن ایام بود و بعدها جابه‌جایی‌های مکرر نام‌ها در لیست‌های اصولگرایان برای رضایت دادن پایداری و گذر کردن از خیر لیست مستقل رخ داد.

این‌بار اما در شرایطی که جبهه پایداری ماه‌هاست سعی دارد با تهدید در حوزه‌های مختلف شورای ائتلاف را به رضایت دادن به موارد مختلف هدایت کند، حداد نیز در هشدار دادن خرق عادت کرده و به جای این هدف سهم‌خواهی گروه و چهره‌هایی که با «کسانی که بخواهند با تندروی کار سیاسی کنند» توصیف‌شان کرده قرار بگیرد خود آنها را تهدید کرده که با این رویه و مشی جایی در شورای ائتلاف ندارند.

جبهه پایداری در دو سال گذشته مکرراً در حال تحت فشار دادن مجلس یازدهم و رییس آن بود و مکرراً از این تشکل صدای تهدید به گوش می‌رسید؛ تهدیدهایی درباره تصویب طرح‌هایی که در مجلس جبهه پایداری در اتاق‌های فکر طراح آن بودند و به درست یا غلط قالیباف و قالیبافی‌ها را باعث سنگ‌اندازی در مسیر تصویب سهل و آسان آن می‌دانستند تا این روزها که دوباره بازار سهم‌خواهی برای فرستادن مردان پیدا و پنهان‌شان به بهارستان گرم شده و نیروهای رسمی و غیررسمی‌شان چند ماهی است مجلس یازدهم را نقد تند می‌کنند و وضعیت آن را ماحصل لیست بستن شورای ائتلاف و در صدر آن مدیریت حدادعادل می‌دانند.

رویه خط و نشان و لجبازی پایداری‌ها حالا به نقطه‌ای رسیده که صبر حدادعادل را هم تمام کرده و به جای اینکه در سکوت سعی در میانه‌داری کند تا در نهایت یک لیست از اردوگاه اصولگرایان بیرون بیاید به جای سکوت و امتیاز دادن به پایداری‌ها این‌بار آنها را تهدید کرده با مشی تندروی در کار سیاسی جایی در این شورا ندارند.

با مرور اظهارات حدادعادل در همایش اخیر انتخابات قالیباف، ذیل عنوان مجمع بیداری نیروهای انقلاب به نظر می‌رسد در دو هفته اخیر رخدادها و مذاکرات پنهانی در جریان بوده که نتیجه مورد نظر برای هیچ‌یک از دو طرف را محقق نکرده است، چرا که حدادعادل حتی در این همایش هم اینچنین هشدار جدی به غایبان مهم همایش یعنی پایداری‌ها نداده بود و در سخنان حدادعادل در این همایش کماکان ارسال سیگنال وحدت هر چند ضعیف و کم جان، اما مشهود است.

ارسال سیگنال وحدت در همایش انتخاباتی قالیباف

غلامعلی حدادعادل، رییس شورای ائتلاف در روز همایش مبنا اولین سخنرانی بود که پشت تریبون رفت و سخنانش را حول محور «وحدت» پیش برد. او ضرورت کار تشکیلاتی را یادآور شد و با اذعان به اینکه در کار تشکیلاتی سیاسی عقب هستیم و نیازمند تحولیم، گفت: «کار سیاسی ما نباید موسمی و مربوط به فصل انتخابات باشد که دو، سه ماه قبل از انتخابات شعار دهیم و بعدش فراموش کنیم. وقتی یک عده وارد مجلس می‌شوند و دولتی تشکیل می‌شود، باید در بیرون از مجلس و دولت عده فراوان‌تری برای پشتیبانی از آنان کار کنند، ما از این جهات ضعیف هستیم.»

او که در سال‌های اخیر عموماً به عنوان چهره‌ای برای ایجاد تعامل بین نیروهای اصولگرا شناخته می‌شد، در این همایش هم وحدت را ضروری دانست و تاکید کرد: «بنده به قرآن و سنت و سخنان رهبری اشاره نمی‌کنم، بلکه از عقل و وجدان همه نیروهای انقلابی گواهی می‌طلبم که آیا کسی هست که منکر باشد که شرط پیروزی ما وحدت است؟ این مطلب بدیهی است اما متأسفانه خیلی وقت‌ها ما منکر بدیهیات می‌شویم، ما تجربیات مثبتی داشتیم که با وحدت موفق و با تفرقه شکست خوردیم. در انتخابات شورای شهر مشهد ۶ فهرست انتخاباتی توسط نیروهای انقلاب داده شد که با این اتفاق و تفرقه، شورا از دست نیروهای انقلاب خارج شد، در شورای ائتلاف سعی ما بر این است که ظرفی برای وحدت باشیم، رسیدن به الگوی شورای ائتلاف حاصل ۲۰ سال سعی و خطا در شورای ائتلاف سیاسی است.»

حدادعادل در این بخش از اظهاراتش سیگنال همکاری را به سوی دیگر تشکیلات سیاسی در جریان راست از جمله یاران قالیباف فرستاد و تلویحاً خواستار همراهی مبنا با این شورا شد. وقتی که گفت: «اصل کار شورای ائتلاف دعوت به وحدت است».

او رندانه سعی کرد تا دل پایداری‌ها را هم به دست بیاورد و گفت: این شورا متعلق به هیچ حزب خاص و تشکیلات خاصی نیست، درب شورای ائتلاف به روی همه نیروهای انقلاب باز است، این شورا متعلق به انقلاب اسلامی است و به همه اصول انقلاب وفادار است، ما به وجود احزاب و تشکلهای سیاسی در جامعه خود باور داریم، حالا برخی قوی و برخی ضعیف هستند. لازم است از هر عملی که به زیان جریان انقلاب باشد، خودداری کنیم و سرمایه‌های خود را به حساب انقلاب بریزیم.»

او در این نشست با هوشمندی تمام برای حفظ ظاهر افق وحدت در بین اصولگرایان از ابراهیم ریسی نیز خرج کرد و با نقل پیامی از او این سیگنال را به حامیان دولت از جمله پایداری‌ها فرستاد که رابطه این طیف از اصولگرایان با ریسی نزدیک است، حتی تا پای بستن لیست نهایی و به حاضران در این گردهمایی گفت: «آقای ریسی تمایل داشتند در این مجلس شرکت کنند که فرمودند از جانب من به حاضران در مجلس سلام من را برسانید، ما امیدواریم بتوانیم دست در دست هم در خدمت اسلام و قرآن و کشور باشیم.»

حالا اما دقیقاً روشن نیست که طی بیش از دو هفته گذشته چه مساله‌ای رخ داده که حدادعادل بخشی از طیف‌های سیاسی داخلی اصولگرایان را با برچسب و عنوان «تندرو در کار سیاسی» خطاب قرار داده و می‌گوید این گروه در شورا جایی ندارند و شورای ائتلاف نیز میانه‌ای با آنها ندارد.

ادعای گزافی نیست اگر بگوییم غلامعلی حدادعادل که در سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ در بین کارگردان‌های انتخاباتی اصولگرایان همیشه در مقابل مصباح‌یزدی که بر طبل عدم نیاز به وحدت می‌کوبید، رند بلاکش حفظ وحدت بود، این بار طاقتش از دست جبهه پایداری طاق شده و می‌گوید در صورت تندروی، این شورا خواهد بود که پیشدستی می‌کند و آنها را کنار می‌گذارد.

حدادعادل و جبهه پایداری، در جست‌وجوی رویای از دست رفته

وقتی مردادماه در سال ۱۳۹۰ جبهه پایداری نخستین همایش خود را برگزار کرد، حدادعادل یکی از سه سخنران اصلی بود آن‌هم در کنار روح‌الله حسینیان و مصباح‌یزدی. بحث بر سر «اهمیت سطح وحدت» از همان مرداد سال ۱۳۹۰ دیالوگ غیرمستقیم ثابت بین مصباح‌یزدی و حدادعادل بوده است.

حداد عادل در آن زمان در کسوت رییس کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت‌وگویی که در حاشیه این همایش با خبرنگاران کرد، گفت که «وحدت امری مطلق نیست و ما در هر شرایطی باید بدانیم چه درجه‌ای از وحدت ضرورت دارد و آن را رعایت کنیم». او تاکید کرد که اصرار بر درجات بالاتر وحدت ممکن است نه تنها مفید نباشد، بلکه به کل جامعه اصولگرایی ضررهایی بزند. او گفت: «حد و میزان وحدت در مقایسه با رویکرد افراد و گروه‌ها نسبت به دشمنان بیرونی مشخص می‌شود.»

در آن ایام پایه‌گذاران «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» که در رویارویی با محمود احمدی‌نژاد در انتخابات وارد صحنه می‌شوند، برخی وزرای طرد شده دولت‌های نهم و دهم، گروهی از نمایندگان مجلس، برخی اعضای قرارگاه عمار و چهره‌هایی مانند روح‌الله حسینیان، صادق محصولی، حمید رسایی، محمدحسین صفار هرنندی، مرتضی آقا تهرانی، علی‌اصغر زارعی، مهدی کوچک‌زاده، اسماعیل کوثری و غلامحسین الهام بودند.

تاسیس این جبهه، نارضایتی جناح‌های دیگر اصولگرایان را به دنبال داشت و اولین واکنش از سوی کمیته وحدت اصولگرایان (۸+۷) بود. حتی گفته شد که آیت‌الله مهدوی کنی موضع‌گیری انتقادی درباره تشکیل جبهه پایداری داشته و صراحتاً از اصولگرایان خواسته تا از ایجاد تشکلهای جدید که باعث تفرقه می‌شود، خودداری کنند.

بر اساس گفته‌های خود چهره‌های پایداری در آن ایام، در جلسه‌ای که همان مرداد سال ۱۳۹۰ با حضور صادق محصولی، روح‌الله حسینیان و مرتضی

آقاتهرانی با مهدوی کنی گذاشته شد، این سه تاکید کردند که «با تمام توان به دنبال وحدت جدی میان اصولگرایان» هستند. بعد از این جلسه مرتضی آقاتهرانی از قول مهدوی کنی تکذیب کرد که او گفته تشکیل جبهه پایداری موجب انشقاق در جبهه اصولگرایان می‌شود.

چهره‌های دیگر اصولگرا در آن به نقل از اعضای جبهه پایداری تاکید و اصرار داشتند که هدف از رایزنی اعضای این تشکل تازه‌تاسیس با روحانیانی مانند مهدوی کنی، «شفاف‌سازی» و نشان دادن این است که جبهه پایداری در چارچوب گروه ۸+۷ فعالیت خواهد کرد.

همان زمان غلامعلی حداد عادل در پاسخ به سوالی در این زمینه که آیا تشکیل جبهه پایداری تغییری در ساختار کمیته واحد اصولگرایی یا همان کمیته ۸+۷ خواهد داد یا نه، گفت: «این ساختار از آسمان نیامده است و اگر قرار باشد تغییری صورت بگیرد حتما این کار با توافق اولیه انجام خواهد شد.» این اظهارات حداد در حالی بود که در همان ایام برخی نمایندگان فراکسیون اصولگرایی مجلس هشتم می‌گفتند که «تنها عامل تحقق وحدت فعالیت زیر چتر کمیته ۱۵ نفره اصولگرایان» است. به عنوان مثال لاله افتخاری، عضو این فراکسیون به خبرگزاری مهر گفته بود که «چتر کمیته ۱۵ نفره بسیار فراگیر و گسترده است، به نحوی که تقریباً همه اصولگرایان می‌توانند ذیل آن قرار گرفته و فعالیت کنند. اگر گروهی بخواهد در کنار این کمیته فعالیت کند، هرگز وحدت اصولگرایان محقق نخواهد شد.»

در تقابل این آبروداری‌های حدادعادل و تلاش برخی چهره‌های آن زمان در داخل جبهه پایداری که سعی می‌کردند در ابتدای کار، ناخن در صورت کمیته ۸+۷ نکنند، مصباح‌یزدی آب پاکی را در همان همایش ابتدایی روی دست همه ریخت.

او در جایگاه سخنران در «همایش جبهه پایداری» درباره اعلام موجودیت این گروه گفت که «این اعلام موجودیت بیان کردن یک واقعیت است که در عمل وجود داشته است». مصباح‌یزدی همچنین درباره اصرار برخی به لزوم وحدت، کنایه پنهان و عیانی به حدادعادل در همان همایش زد و گفت: «وحدت ابزار و تیری دو لبه و دو دم است که اگر در راه باطل قرار گیرد، خطرهای بزرگی ایجاد می‌کند و شکست دادن آن مشکل خواهد بود. بنابراین باید در ابتدا یک هدف مقدس را برای وحدت در نظر گرفت و برای آن برنامه‌ریزی و در ادامه همه این نیروها را برای رسیدن به آن بسیج کرد.»

در تمامی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ در ایام انتخابات این دیالوگ دو طرفه غیر مستقیم بین حدادعادل و مصباح‌یزدی برقرار بود. مصباح مصرانه «تکلیف در رای به اصلح» را به «مصلحت وحدت» ارجح می‌دانست و به فرزندان معنوی‌اش توصیه‌هایی از این دست می‌کرد و حدادعادل صبورانه نام و اعتبارش در بین اصولگرایان را خرج تجلی وحدت می‌کرد. بعد از فوت آیت‌الله مصباح در سال ۱۳۹۹ اما پیروان مصباح‌یزدی در جبهه پایداری از دیدگاه‌های او دست نکشیدند و با ادبیاتی سوپر انقلابی‌تر از پیرمرادشان اصلح را کلید واژه سهم‌خواهی از نهادهای اصلی انتخابات کردند؛ نهادهایی که عموماً حدادعادل در آنها نقش کلیدی داشت.

در ماه‌های اخیر این تقابل گفتمانی مختص به موسم انتخابات باز هم بین این دو طیف شنیده شد. صادق محصولی بیست و ششم اردیبهشت ماه سال جاری در نشست سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی اعلام کرد که «راهبرد در یک کلمه، انتخاب «اصلح» است؛ نه اینکه صرفاً به دنبال کسی برویم که رای‌آوری بیشتری داشته باشد، اما نمره او پایین باشد».

او با تاکید بر اینکه «آن کسی که اصلح است را باید متقاعد کنیم به صحنه بیاید»، گفته است که «ما در عین اینکه هیچ‌گونه منعی از ارایه یک لیست واحد نداریم، اما نباید این‌گونه باشد که به هر قیمتی یک لیست واحد ارایه دهیم؛ به عبارت دیگر نمی‌توان به خاطر لیست واحد از اصول و رعایت و ملاحظه شاخص‌ها عدول کنیم». او شهریور ۹۵ گفته بود: «می‌گویم باید به دنبال اصلح برویم و سپس درصدد معرفی وی در جامعه برای فراهم کردن زمینه رای‌آوری وی در بین مردم باشیم». همان سال درباره انتخابات ۹۶ هم گفته بود: «اصلح حتماً نباید زمینه رای‌آوری داشته باشد».

در سال‌های اخیر حدادعادل با پیروان مصباح‌یزدی و صادق محصولی در کسوت دبیرکل جبهه پایداری و مرتضی آقاتهرانی، رییس شورای مرکزی جبهه پایداری که راهبری شکلی و محتوایی این تشکل در مجلس را برعهده داشت- همان درگیری‌هایی را داشت که در سال‌های پایانی دهه ۹۰ و دهه ۹۰ تا ۱۳۹۹ با مصباح‌یزدی داشت. روالش نیز همان بود؛ تاکید مکرر بر لزوم وحدت، حفظ آبروی خانه اصولگرایی و تلاش برای راضی نگه داشتن فرزندان سرکش خانه که یکی پس از دیگری علیه یکدیگر می‌شوریدند.

انتخابات سال ۱۳۹۸ اگرچه در غیاب رقیب واقعی اصولگرایان با عنایت شورای نگهبان در ردصلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان محقق شد، اما سطح تنش‌ها به اندازه‌ای بالا بود که احتمالاً ارایه لیست‌های مختلف وجود داشته باشد. در آن ایام علاوه بر پایداری‌ها که برای وحدت چشم و آبرو می‌آمدند خود قالیباف هم صراحتاً تکلیف را با اصولگرایان از طریق لشکری که خود مدعی راهبری آن بود و نواصولگرا می‌خواند، روشن کرده بود که اگر سرلیست تهران نباشد این بار برای حفظ وحدت سکوت نمی‌کند و لیست جدا می‌دهد. در نهایت هم این میانه‌داری حدادعادل و سفارشات و دستورات محافل پنهان اصولگرایی بود که جبهه پایداری با قالیباف را در یک لیست قرار داد و قالیباف را بر سر لیست نشاند.

تجربه مجلس یازدهم اما گویا موعد و موسم تازه‌ای را برای همه اصولگرایان رقم زده است؛ جبهه پایداری این بار محکم‌تر از همیشه تهدید می‌کند. شاخ و شانه کشیدن جوانان سوپرانقلابی برای قالیباف کار را از کنترل شورای ائتلاف خارج کرده است. درگیری‌ها گرچه در شرایط فعلی درباره موضوع انتخابات است، اما تجربه تقابل پایداری با قالیباف در مجلس یازدهم با چاشنی دخالت‌های گاه و بی‌گاه دولت ابراهیم ریسی مختصات جدیدی را برای اصولگرایان مهیا کرده است. مختصاتی که حتی حدادعادل در آن زبان به نقد تند تندروها باز کرده و احتمالاً آماده ظهور و بروز لیست‌های متعدد برای انتخابات مجلس دوازدهم نیز هست. این تغییر یک‌شبه رخ نداده و جمع‌بندی حدادعادل براساس هزینه و فایده مذاکره با طیف‌های مختلف به خصوص جبهه پایداری است. اما چرا حدادعادل که مرور این تاریخ نشان می‌دهد همواره شمایل صبر و سکوت در منازعات انتخاباتی است، حالا در روزهای پایانی آبان ۱۴۰۲ به چنین جمع‌بندی رسیده و آن را بیان کرده است.

بخشیدن عطای پایداری به لقایش

درباره این موضع‌گیری حدادعادل دو علت محتمل به نظر می‌رسد؛ نخست اینکه تعداد گروه‌های مخالف و طرف‌های درگیری افزایش پیدا کرده است و دیگر تنش همچون ایام انتخابات مجلس یازدهم در دوگانه قالیباف- پایداری قابل تعریف نیست.

با مرور آنچه در مجلس یازدهم رخ داد - از ماجرای سیسمونی گیت که بسیاری دولت و جبهه پایداری را حامیان اصلی این افشاگری می‌دانند تا اختلاف نظرهای جدی در غائله طرح صیانت، لایحه حجاب و دیگر موارد- مشخصا جبهه پایداری هیچ تصمیمی برای توافق با ائتلاف برای سرلیستی قالیباف ندارد. در این شرایط مشخصا جبهه پایداری می‌تواند با ائتلافی نزدیک به شورای وحدت یا نیروهای دولت ریسی لیستی مجزا از لیست شورای ائتلاف را تدوین کند. در این لیست سهم نیروهای سعید جلیلی نیز بسیار بارزتر از انتخابات قبل خواهد بود و با توجه به اینکه شورای وحدت برای رقابت با شورای ائتلاف ممکن است دست چندان پری نداشته باشد، به گزینه‌ها و شاید لیست جبهه پایداری رضایت خواهد داد.

در این مختصات باید اعتراضات بی‌سابقه شورای وحدت را نیز در نظر گرفت. منوچهر متکی، سخنگوی شورای وحدت اخیرا پیغامی برای تشکل اصلی انتخاباتی اصولگرایان فرستاد؛ پیغامی حاکی از اینکه این‌بار قرار نیست شورای وحدت خود را قربانی ائتلاف کند. متکی در گفت‌وگو با خبرآنلاین گفته است که «شورای وحدت تلاش خواهد کرد در یک نهضت خودکفایی کاندیداهای خودش را معرفی و از سبد خودش کاندیداهایش را مطرح کند. وحدت در جریان‌های انتخاباتی طبیعی است و ممکن است اتفاق بیفتد، اما برای وحدت باید اراده طرفینی به وجود بیاید. ما تاکنون پیشنهادی برای وحدت و یکی شدن و وحدت در لیست دریافت نکرده‌ایم.»

در کنار این مثلث &ndash؛ قالیباف و شورای ائتلاف، نیروهای دولت و سعید جلیلی و خود جبهه پایداری و شورای وحدت- باید تشکل تازه‌نفس و پرسروصدای شریان را نیز اضافه کرد. آن‌هم با حضور چهره جداشده یا اخراج‌شده از جبهه پایداری یعنی حمید رسایی که هم تجربه رفتارهای پایداری‌گونه را دارد و هم یک‌تنه می‌تواند شریان را در مسیر زد و خورد انتخاباتی به پیش ببرد. به نظر می‌رسد تعدد این جبهه‌ها کار را به شدت برای شورای ائتلاف سخت کرده و این شورا دیگر توانی برای مقابله با این چند ضلعی سهم‌خواه را ندارد.

دوم سطح تنش‌ها در این حوزه و تمرکز منتقدین قالیباف و حداد بر عملکرد مجلس یازدهم است که رسماً ماحصل کارگردانی حدادعادل خوانده می‌شود. طیف‌های مقابل به اندازه‌ای سعی دارند هزینه عملکرد مجلس یازدهم را بر حدادعادل تحمیل کنند که وقتی او در چهارمین نشست وبیناری به عنوان رییس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی با حضور مسوولان و روسای این شورا در تابستان سال جاری تاکید کرد که «اگرچه مجلس یازدهم انقلابی است اما اگر تعدادی از نمایندگان عملکرد ضعیفی داشتند - در دور بعد- از افراد کارآمدتر حمایت خواهیم کرد تا افرادی مومن و «انقلابی‌تر» وارد مجلس شوند»، موجی از حملات علیه وی آغاز شد.

محمدصادق کوشکی از نیروهای نزدیک به سعید جلیلی با تندی حدادعادل را نشانه گرفت و با بیان اینکه «این مجلس دستپخت شماس» مطالبی را خطاب به شورای ائتلاف و سازوکار آن مطرح کرد. کوشکی در این سخنان به روشنی به نقد سازوکار شورای ائتلاف در انتخابات مجلس یازدهم، بعد از نزدیک به ۴ سال پرداخت. او به صراحت تاکید کرد که این شورا باز هم اگر متصدی بستن لیست‌ها باشد، همین وضعیت را تحویل می‌دهد: آنها - شورای ائتلاف نیروهای انقلاب- اگر می‌خواستند افراد کارآمدتری را به مجلس بفرستند، چرا چهار سال پیش این کار را نکردند؟ چرا در مقطع انتخابات ۱۳۹۸ بهترین‌ها را گزینش نکردند که حالا دچار این مشکل شدند؟ به نظر می‌رسد این دوره نیز شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی به دلیل سازوکار غلط تعیین نامزدها و بستن فهرست انتخاباتی، باز هم موفق نخواهد شد که افراد مناسبی را به مجلس بفرستد. در بررسی همین علت باید درگیری‌های جدی قالیباف و پایداری و نامه‌نگاری‌های اخیر مجتبی توانگر خطاب به جوانان جبهه پایداری و مرتضی آقائهرانی را نیز در نظر گرفت.

سومین مساله اذعان نیروهای اصولگرا به برگزاری انتخاباتی کم‌مشارکت است که رقابت بین آنها را جدی‌تر می‌کند، چرا که حالا انتخابات تنها با یک سبد رای مشخص و محدود برگزار می‌شود و این رای‌ها به لیستی خواهد بود که مورد تایید اقلیت همیشه حاضر در صحنه از جنبش هواداران پروپا قرص اصولگرایان باشد. همین موضوع هم باعث شده است تا نیروهای جبهه پایداری مدعی باشند برای رفتن به مجلس دوازدهم نیازی به وحدت ندارند و خود را صاحبان بلامنازع این سبد رای حداقلی بدانند.

سید حسین نقوی حسینی، از چهره‌های اصولگرا مهرماه سال جاری در گفت‌وگو با پایگاه خبری جمهوریت گفت که «تصور می‌کنم با توجه به مسائل مجلس در ۴ سال گذشته، بین پایداری‌ها و جریان آقای قالیباف و مسیری که جبهه پایداری در حال طی کردن آن است، این تشکل در حال حرکت به سمت لیست مستقل است. البته آنها استدلال‌هایی دارند و می‌گویند سبد آرا بیشتر متعلق به آنهاست و چرا باید این سبد را با دیگران تقسیم کنند و بعد مدیریتی انتخاب شود که مورد تایید آنها نباشد». این اطمینان خاطر اعضای جبهه پایداری باعث شده است تا رفتارهای رادیکال‌تری نشان بدهند.

رفتارهایی که حداد عادل را به این نقطه برساند. در کنار هشدار نهایی حداد به جبهه پایداری باید این اظهارات را در قالب حکایت «به در گفتن و برای دیوار شنیدن» نیز تفسیر کرد؛ ارسال پیامی برای تشکل شریان که در خط مقدم درگیری با قالیباف است با این مضمون که اگر پا در مسیر پایداری‌ها بگذارید برای حدادعادل در زمره تندروها هستید و جایی در شورای ائتلاف نخواهید داشت. فارغ از اینکه خود جبهه پایداری و شریان نیز تمایلی برای حضور در شورای ائتلاف در شرایط فعلی که این شورا تمام‌قد پشت محمدباقر قالیباف ایستاده ندارند، این موضع‌گیری حداد در ابعادی فراتر از موضوع انتخابات ۱۴۰۲ نشان از آغاز عصری تازه است. عصری که تعارفات وحدت‌کنار رفته و مرزهای درگیری شفاف‌تر از همیشه می‌شود.